

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دهم ، شماره سی و هشتم ، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۲۲

صفحات: ۵۶ - ۸۲

بررسی علل گرایش زوجین به خیانت زناشویی و پیامدهای

اجتماعی آن (مورد مطالعه: استان سمنان سال ۱۳۹۷)

ابوالقاسم خادمیان^{۱*}

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی علل گرایش زوجین به خیانت زناشویی و پیامدهای اجتماعی و امنیتی آن در استان سمنان می باشد. این پژوهش، به صورت پیمایشی و به وسیله پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد می باشد. جمعیت آماری مورد نظر در پژوهش حاضر شامل کلیه زوج های ساکن در شهرهای استان سمنان در سال ۱۳۹۷ می-باشند. برای انجام نمونه‌گیری در تحقیق حاضر از روش تصادفی چندمرحله‌ای، سیستماتیک و تصادفی ساده می‌باشد، استفاده گردید. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر است. با توجه به نتایج ، متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی) ۰.۴۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (گرایش به خیانت زناشویی) را تبیین می کنند. با مد نظر قرار دادن ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، می توان گفت اثر متغیر یادگیری اجتماعی بر گرایش به خیانت زناشویی، منفی و قوی و اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به خیانت زناشویی، منفی و نسبتاً قوی است. کنترل اجتماعی نیز دارای اثر منفی و متوسط می باشد. اثر مثبت به معنای افزایش گرایش به خیانت زناشویی و اثر منفی به معنای کاهش گرایش به خیانت زناشویی است.

کلید واژه: گرایش به خیانت زناشویی، سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، مصرف رسانه ای.

مقدمه:

انسان یگانه موجودی است که به منظور ادامه حیات ارگانیستی و انطباق اقتصادی، رشد شخصیتی و بالأخره تنسيق الگوهای رفتاری و انتقال موارث جمعی، از دم زادن، ناگزیر به سایر آدمیان وابسته بوده و از همین رو نیز به زندگی سازمان یافته گروهی در قالب نهادهای منسجم اجتماعی گروید. خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی اساس تشکیل جامعه و حفظ روابط انسانی را به عهده دارد (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱) ساروخانی (۱۳۷۵، ۱۱) بیان می کند که بیشتر جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید کرده اند و شاید هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده های سالم نتواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تأثیر از خانواده پدید نیامده است. خانواده به عنوان یکی از نهادهای اصلی جامعه، مهمترین مکان پرورش چشم و روح افراد می باشد. در این میان روابط بین زوجین، اصلی ترین و مهمترین نقش را بر عهده دارند. در حقیقت، زمانی که بین زن و مرد درگی بهینه نسبت به یکدیگر وجود داشته باشد، خانواده از استحکام و دوامی بیش تر برخوردار خواهد بود (حیدری، ۱۳۹۶).

یکی از آسیب های موجود در خانواده ها پدیده ای تحت عنوان روابط "فرا زناشویی" یا "خیانت" است. خیانت، عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی یا فردی خارج از حیطه زناشویی است (درایگوس و بارتا، ۲۰۰۱) به اعتقاد گلاسر، زوجها زندگی مشترکشان را با عشق شروع می کنند، ولی مشاهده می کنند که صمیمیت اولیه به تدریج رنگ می بازد. باگذشت زمان زندگی برخی از زوجین به جدایی کشیده می شود، اما اکثریت به زندگی مشترکشان با آهنگی یکنواخت و ملال آور ادامه می دهند و برای تحمل این زندگی به مشروبات الکلی، پرخوری، استفاده از مواد مخدر یا ارتباطات نامشروع روی می آورند. شاید بتوان گفت مهم ترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می شود، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است. چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترکشان نمی یابند. بنابراین جذابیت روابط نامشروع بدین دلیل است که هیچ یک از طرفین، عیب جویی، سرزنش و شکوه نمی کنند یا نق نمی زنند (گلاسر، ۱۰۰۲). یافته های علمی بسیاری وجود دارد که نشان می دهد، رابطه بین زن و شوهر در

خانواده‌ها و در جامعه امروز بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است و به تبع آن " پدیده خیانت" در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته: از جمله ایالت متحده آمریکا و نیز کشورهای در حال توسعه، با فراوانی زیادی مشاهده می‌شود. طبق آماری که سال ۲۰۱۴ در آمریکا منتشر شد، ۴۱ درصد از زوجین آمریکایی (هر دو زوج یا یکی از آن‌ها) اقدام به خیانت جسمی و عاطفی کرده‌اند. اتکینز و همکاران (۲۰۰۱) درگیر بودن بیش از ۲۵ درصد از مردان متأهل و زنان متأهل در روابط جنسی خارج از ازدواج، در طول دوره روابط خود را برآورد می‌کنند (اجتهادی، ۱۳۹۵: ۱۰۵) علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی که میان جوامع انسانی وجود دارند، مسئله خیانت در روابط زناشویی در اغلب جوامع مذموم و غیراخلاقی بشمار می‌آید. در کشور ما نیز مذهب و عرف جامعه این مسئله را بسیار ناپسند می‌شمارند و نگاه منفی نسبت به این موضوع دارند. از این رو این رفتار در خفا به صورت پنهانی انجام می‌شود و اکثریت متخصصان حوزه‌های حقوق، روانشناسی و جامعه‌شناسی بر این باورند که این نوع رفتار با توجه با جامعه امروزی ایران روندی رو به گسترش داشته و تاکنون در گروه‌های اجتماعی گوناگون مشاهده شده است. شاهد مثال این امر اظهارات لیلا بهنام در پنل " روابط فرا زناشویی" سازمان دفاع از قربانیان خشونت است که در سال ۱۳۹۱ برگزار شد. لیلا بهنام در این پنل اظهار داشت که: "نتایج تحقیقی که در ۱۵ استان کشور انجام شده نشان می‌دهد، خیانت علت اصلی ۶۷ درصد قتل مردان از سوی همسرانشان بوده است. ۳۳ درصد از مردان هم با واکنشی در برابر خشونت، حمله ناگهانی و تهدید از سوی همسر خود مواجه بوده‌اند. همچنین به نقل از خبرگزاری‌ها: " از مهم‌ترین علل اصلی طلاق در ایران در سال ۹۱ خیانت، اقتصاد و اعتیاد زوجین؛ در سال ۹۲: مسائل عقیدتی و دخالت خانواده‌ها و در سال ۹۳: بار دیگر خیانت و عدم رضایت جنسی بوده است و در پژوهش‌های انجام شده جهت شناسایی دلایل طلاق، خیانت به همسر را به‌عنوان یکی از دلایل مؤثر بر این پدیده شناسایی نموده‌اند. (واحدی، ۱۳۹۵) تحقیقات نشان می‌دهند اشکالات موجود در زندگی زناشویی، عامل اصلی انحراف بسیاری از مردان است و مهم‌ترین اشکال، نحوه برخورد زوجین با یکدیگر و وجود شکافی عمیق در اعتماد بین آن‌هاست. ایجاد روابط فرا زناشویی دارای دلایل متعددی است که به سبب تفاوت‌های فردی این عوامل می‌تواند در افراد و جوامع گوناگون متفاوت باشد. از جمله این عوامل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: طول مدت ازدواج، تحصیلات زوجین، کم‌رنگ شدن نقش مذهب و اخلاق جنسی، ماجراجویی و تمایل به تنوع یا هیجان، انتقام یا خشم، سوءظن و انتقام‌گیری از همسر، احساس عدم

امنیت، بلوغ نیافتگی، نیاز اقتصادی ومالی، تأثیرپذیری از رسانه‌ها، مصرف دارو والکل و ویژگی‌های شخصیتی. هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی علل گرایش زوجین به خیانت زناشویی و پیامدهای اجتماعی و امنیتی آن در استان سمنان می باشد.

اجتهادی و واحدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی جامعه‌شناختی پتانسیل خیانت در روابط زناشویی و عوامل مؤثر بر آن" به بررسی عوامل اجتماعی و روانشناسی اجتماعی بر گرایش به خیانت زناشویی کارکنان متأهل سازمان‌های دولتی و سازمان‌های خصوصی پرداخته‌اند. روش تحقیق پیمایش و حجم نمونه برابر با ۲۵۲ نفر می‌باشد. بر طبق نتایج تحلیل چند متغیری سه متغیر تعهد زناشویی، کیفیت جایگزین و ارضا نیاز به ترتیب با ضریب مسیر ۰.۳۴۶-، ۰.۲۹۸ و ۰.۲۰۸. بیشترین تأثیر را در تبیین پتانسیل خیانت داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در جریان بحران ارزش‌ها، ارزش‌های جمعی تزلزل می‌یابد و آنومی باعث می‌شود که ارزش‌های اجتماعی سیطره خود را از دست بدهد در نتیجه تعهد فرد کمتر می‌شود و پتانسیل خیانت بالا می‌رود. هرچه افراد کنترل اجتماعی بالاتری داشته باشند، میزان پتانسیل خیانت در آن‌ها کاهش می‌یابد. در ضمن هر چه میزان یادگیری اجتماعی (رفتار انحرافی) در فرد به صورت مؤثرتری شکل گرفته باشد، میزان پتانسیل خیانت او افزایش می‌یابد.

مسعودی اصل و فیروز راد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز" با روش پیمایش و بررسی ۲۰۰ زن ناسازگار ۵۰-۱۵ سال شهر تبریز عوامل اجتماعی مؤثر بر ناسازگاری زناشویی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند. با توجه به یافته‌های حاصل از رگرسیون چند متغیره، ناکامی جنسی با (۰.۳۲) بیشتری سهم را در میزان ناسازگاری زناشویی دارد و در مجموع (۰.۴۱) میزان ناسازگاری توسط متغیرهای ناکامی جنسی، پایبندی‌های مذهبی و پایگاه اجتماعی (پایین) تبیین شده است. بر اساس ضریب بتای به دست آمده رابطه ناکامی جنسی پایگاه (پایین) با میزان ناسازگاری زناشویی مستقیم و از طرف دیگر پایبندی‌های مذهبی رابطه معکوس با میزان ناسازگاری زناشویی دارد.

پناهی و تبریزی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "مصرف اینترنت و اثر آن بر روابط همسران" چهل پژوهش را که از سال ۱۹۹۵ تاکنون به موضوع اینترنت و روابط همسران

مرتبط بودند شناسایی نموده و با روش تحلیل محتوای کیفی، و با اتکا به منطق استقرا بررسی کردند. در نتیجه دو عرصه مهم تأثیر اینترنت بر روابط همسران به دست آمد که عبارت‌اند از: تأثیر در مناسبات زندگی روزمره، و در مرزها و حدود زناشویی. جمع‌بندی تحقیقات مورد بررسی بیشتر مؤید تأثیر منفی اینترنت بر این دو قلمرو در جوامع غربی است، هر چند پیچیدگی‌هایی دارد. ارتباط اینترنت با زندگی روزمره همسران به میزان، مکان و زمان مصرف، نوع استفاده و شرایط و برهه‌ای بستگی دارد که افراد تجربه می‌کنند. برخی امکانات اینترنتی نظیر محتوای جنسی امکان برقراری روابط مجازی نیز بر مرزهای زناشویی بیشتر تأثیر منفی داشته است، هر چند مؤلفه‌هایی چون دلایل مصرف، جنسیت، زمینه‌های روانی و خانوادگی و روابط عاطفی یا جنسی برقرار شده، حالات گوناگونی به آن‌ها می‌دهد.

ایمان، یادعلی جمالویی، زهری (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی" به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی زوجین شهر فولادشهر و نجف‌آباد پرداخته است. حجم نمونه این پژوهش شامل ۳۷۶ نفر از شهروندان فولادشهر و ۳۸۱ نفر از شهروندان نجف‌آباد است. نتایج حاکی از آن است که در شهر نجف‌آباد، ۴ متغیر سرمایه اجتماعی، مدت ازدواج، تحصیلات و سن زنان، ۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رضایتمندی زناشویی) را تبیین کردند. اما همین ۴ متغیر در شهر فولادشهر، ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کرده‌اند. بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان نجف‌آبادی است که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند و کمترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان فولادشهری است که از سرمایه اجتماعی پایینی برخوردار هستند. بنابراین بین میزان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار برقرار است.

عابدی تهرانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی توصیفی - تحلیلی با عنوان "تأثیر رسانه در گسترش مصادیق بی‌بندوباری (فرا از خانه و روابط جنسی نامشروع و راه‌حل‌های آن" با حجم نمونه ۳۴۵ نفر به این نتایج دست یافتند که رسانه و بخصوص اینترنت و ماهواره به دلیل ارزان بودن و در دسترس بودن، قانونی بودن و ناشناخته ماندن هویت، می‌تواند با ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای جدید، نقش بسزایی را در ایجاد انحرافات از جمله روابط جنسی نامشروع و اعتیاد جنسی داشته باشد و با گسترش رسانه‌های جمعی که

محدود به مرز نیست و دولت‌ها بر آن تسلطی ندارند، نقش بسزایی در گسترش مصادیق بی‌بندوباری از جمله فرار از خانه و روابط جنسی نامشروع دارد و آن را افزایش می‌دهد و نقش انحرافات رسانه بیش از نقش جرم‌زایی آن می‌باشد.

قلی زاده و اسماعیلیان اردستانی، (۱۳۹۰) ، در مقاله‌ای تحت عنوان "نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل" به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با رضایتمندی زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، پرداخته است. حجم نمونه تحقیق حاضر شامل ۲۸۸ نفر از زوجین هستند که به صورت تصادفی و طبقه‌ای انتخاب شده است. مؤلفه‌های موردنظر سرمایه اجتماعی در این تحقیق شامل اعتماد، احترام، ارزش‌های اخلاقی، همکاری، مسئولیت‌پذیری، احساس امنیت، مشارکت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با ۱ واحد افزایش در اعتماد متقابل زوجها، رضایت زناشویی به میزان ۴.۱۰۷ افزایش می‌یابد. هم‌چنین با افزایش هر یک از مؤلفه‌های اجتماعی دیگر مانند احترام، ارزش‌های اخلاقی، همکاری، مسئولیت‌پذیری، احساس امنیت، مشارکت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی بین زوجین، رضایت از زندگی زناشویی آن‌ها نیز به همان نسبت افزایش می‌یابد.

ریچارد و میلر و شان (۲۰۱۳) در تحقیقی (با بررسی ۲۱۳ زوج شهری متأهل) در نیویورک دریافته‌اند که: تعارضات زناشویی در کشور تایوان جز شایع‌ترین مشکلات می‌باشد و این تعارضات زناشویی عبارت‌اند از: ارتباطات، قدرت در مبارزات، انتظارات غیرواقعی، تعارض مدیریت و مشکلات جنسی که می‌توانند بر رضایت زناشویی اثر منفی بگذارند و ارتباطات تعهد، صمیمیت و عاطفی را خدشه‌دار کند و یک عامل خطر برای مسائل روحی و جسمی زوجین باشد.

دوکان مورگان و دوکان (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به " بررسی دیدگاه‌های متفاوت زنان و مردان در مورد خیانت اینترنتی" پرداختند. ۲۰۸ شرکت‌کننده، ۴۴ عمل خاص از طریق اینترنت (مثلاً ابراز عشق به دوستی اینترنتی) را که به‌نوعی بیانگر بی‌وفایی به همسر بود، از طریق دو پرسشنامه خیانت خود و خیانت همسر موردبررسی قرار دادند. این یافته‌ها امکان توصیف خیانت اینترنتی را میسر ساخت. هم‌چنین امکان پاسخ به این پرسش فراهم شد که آیا افراد اعمال خاصی را، خیانت محسوب می‌کنند؟ و اگر پاسخ مثبت است انجام چه می

زان از آن ، خیانت تلقی می‌شود؟ نتایج تحقیقات نشان داد که افراد، احتمال خیانت همسر را بیش از خیانت خود برآورد می‌کنند. در ضمن افراد در ارتباطات اینترنتی بیشتر به دنبال اعمالی بودند که باهدف خاصی صورت می‌گرفت و کمتر به کارهای سطح و بدون قصد و نیت می‌پرداختند و همچنین زنان بیش از مردان خیانت اینترنتی همسر را آزاردهنده تلقی می‌گردند. زیرا زنان از خیانت عاطفی و مردان از خیانت جنسی همسر خود بیشتر آشفته می‌شوند.

برند، مارکی، میلس و هادگس (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان " تفاوت‌های جنسیتی در وقوع و شیوع خیانت" در نمونه‌ای متشکل از ۵۴۳ نفر از دانشجویان به این نتیجه رسیدند که مردان در مقایسه با زنان بیشتر مرتکب خیانت می‌شوند. زنان بیش از مردان، پس از بی‌وفایی و خیانت به همسر به‌منظور ایجاد روابط جدید، به زندگی زناشویی قبلی خود خاتمه می‌دهند و علت عدم پایبندی آنان احساس ناخشنودی و نارضایتی از روابط زناشویی بود.

خیانت زناشویی:

" خیانت" در رابطه زناشویی به معنی شکسته شدن عهد و پیمانی که با ازدواج میان زوجها شکل می‌گیرد و رابطه‌ای عاطفی و جنسی میان آنها پدید می‌آورد، رابط ای که کاملاً " انحصاری" و نیز کاملاً "خصوصی" است. (رئیسیان، ۱۳۹۳). خیانت زناشویی موضوعی است که زوج درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه ای گیج کننده و دردناک برای همه ی کسانی باشد که با آن درگیرند، افزون بر این، خیانت یکی از دلایل عمده ی طلاق و از هم پاشیدن ازدواج است (اسچیکلفورد، گوتز و بیسر، ۲۰۱۴). عموم مردم اذعان دارند که هر چند عشق رومانیتیک می‌تواند کشش متقابل شدیدی بین زن و مرد جوان به وجود آورد، ولی این عشق معمولاً از عمر چندانی برخوردار نیست و زمانی که شور اولیه آن از بین برود می‌توان انتظار داشت که رابطه ی زناشویی نیز که بر اساس چنین عشقی استوار گردیده است، متزلزل شده و از هم بپاشد. خیانت، عبور از فرد از مرز رابطه‌ی زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی فرد با فردی خارج از حیطه زناشویی است. خیانت شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده (غیر از همسر) است (رفیعی، حاتمی

و فروغی، ۱۳۹۰). بنابراین اگر یکی از زوجها با فردی غیر از شریک زندگی اش وارد رابطه جنسی یا حتی رابطه عاطفی شود، مرتکب خیانت شده است. زیرا مهم ترین فرض روابط عاشقانه " منحصربه فرد بودن " آن است، یعنی اعتقاد به این که هر دو نفر از نظر مسائل عاطفی و جنسی متعهد به یکدیگر هستند و یا " باید " متعهد باشند (تریس و جیس، ۲۰۰۰). در بسیاری و یا اغلب فرهنگ ها ، روابط زناشویی میان زوجها ، معمولاً حکایت از انتظاری بیان شده یا ضمنی، از نوعی " انحصار " در رابطه دارد (زارع، ۲۰۱۱: ۲۱۸). البته در ادبیات این موضوع "خیانت زناشویی"، اصطلاح یا کلیدواژه " بی وفایی " نیز بسیار زیاد به کار گرفته می شود. کلیدواژه به معنای رفتاری است که یک فرد متأهل، بیرون از رابطه زناشویی خود و با شخص دیگری رابطه برقرار کند. " بی وفایی " می تواند طیفی از رفتارها را در برگیرد ، رفتارهایی که به یک رابطه جنسی نامشروع بیرون از رابطه زناشویی مشروع و قانونی (خیانت جنسی) ، می انجامد، یا رفتارهایی که تنها به رابطه عاطفی بیرون از رابطه زناشویی مشروع و قانونی (خیانت عاطفی) کشیده می شود و یا حتی رابطه "ذهنی" و یک سوپه یک فرد متأهل بی آنکه در واقعیت به یک رابطه ای واقعی (خیانت ذهنی) بینجامد (خدمتگزار ، ۱۳۸۷؛ کاوه، ۱۳۹۳).

سرمایه اجتماعی:

کلمن اولین محققی بود که به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و عملیاتی کردن آن پرداخت. (شارع پور، ۱۳۷۹) کلمن این اصطلاح را برای تشریح چگونگی بهره گیری افراد از منابعی که از طریق روابط اجتماعی در خانواده و جامعه به دست می آید، در راستای منافع فرد و جمع بررسی کرده است. (اشنایدر، ۵۴: ۱۳۸۴) از دید کلمن سرمایه اجتماعی دو جزء دارد: ساختاری و شناختی. سرمایه شناختی شامل دامنه، حوزه، انبوهی پیوندها و فعالیت های مشترک می شود، ولی جزء شناختی، تصورات حمایتی، عمل متقابل و اعتماد مشترک را در بر می گیرد. جزء ساختاری در واقع چیزی است که مردم انجام می دهند، اما جزء شناختی آن چیزی است که مردم احساس می کنند. خانواده همزمان هم سرمایه اجتماعی و هم سلامتی و خوشبختی افرادش را با شکل دادن و حفظ پیوندهایش با دیگر مردم حفظ می کند (مقصودی و همکاران، ۸: ۱۳۹۰). از دیدگاه کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می تواند به عنوان منبعی برای افراد

آن گروه، عمل کند. (شارع پور، ۱۳۷۹) کلمن می‌گوید سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد، به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. او سخن خود را این‌گونه ادامه می‌دهد که سرمایه مادی کاملاً ملموس است و به‌صورت مادی و قابل مشاهده تجسم یافته است. سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است، زیرا در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. سرمایه مادی و سرمایه انسانی، فعالیت تولیدی را تسهیل می‌کند و سرمایه اجتماعی نیز همانند آن‌ها عمل می‌کند. مثلاً گروهی که اعضای آن قابلیت اعتماد نشان می‌دهند و اعتماد آن‌ها به یکدیگر زیاد است، خواهند توانست کارهایی بسیار بیشتر از گروهی انجام دهند که فاقد آن قابلیت اعتماد است. (ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵: ۹۶). کلمن بیشتر توجه خود را به سرمایه اجتماعی موجود در قلمرو خانواده معطوف کرده است. (شارع پور، ۱۳۸۴: ۵) از آنجایی که سرمایه اجتماعی نقش موثری در کاهش هزینه های فعالیت ها و موفقیت افراد در دستیابی به ادا خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۹). با توجه به نظر جیمز کلمن در مورد سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی، بعد شناختی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ابعاد تعلقات اجتماعی و تعاملات اجتماعی، بعد ساختاری را سنجش می‌کنند. منظور از بعد شناختی، وجود میزانی از اعتماد، تعهد اجتماعی و سایر عناصر چون صداقت، همبستگی درون گروهی، میزان زمان باهم بودن، انتقادپذیری و... است که کیفیت روابط اجتماعی بین همسران را شامل می‌شود. در حالی که در بعد ساختاری، کمیت روابط اجتماعی سنجیده می‌شود. در این بعد شبکه اجتماعی فرد سنجیده می‌شود، که عضویت فرد در گروه، میزان همکاری، تنوع فعالیت‌های جمعی، تعداد افرادی که فرد را می‌شناسند، انواع ارتباطات، شعاع ارتباطات، تعداد و اندازه شبکه‌های اجتماعی فرد مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد (لک، ۱۳۹۷).

مصرف گرایی:

با توجه به نظریه مارکوزه، نظام سرمایه‌داری برای اشاعه مصرف و پدید آوردن فرهنگ و جامعه مصرفی، ایدئولوژی مصرف را پدید آورده است. منطق این ایدئولوژی و زبان حالش این است که من مصرف می‌کنم، پس هستم. در این ایدئولوژی، مصرف با هویت آدمیان گره می‌خورد و خرید کالا به دلیل ماهیت بت‌واره اش، دل و دین را از آن‌ها می‌رباید. وعده ایدئولوژی مذکور این است که مصرف کالا، راه‌حل تمام مشکلات انسان است، مصرف،

دوباره ما را به تمامیت می‌رساند، مصرف، نقصان‌های ما را مجدداً برطرف می‌کند، مصرف، ما را دوباره به کمال می‌رساند، مصرف ما را به وضعیت سعادت‌مند خیالی می‌رساند. (استوری، ۱۳۸۶: ۲۶۵) جامعه صنعتی امروز و کشورهای جهان اول به جهت دستیابی به منابع مالی کشورهای جهان سوم و همچنین وابسته کردن مردم جهان سوم به خودشان نیازهای مصرفی کاذب را از طریق به نمایش گذاشتن نیازها به وسیله رسانه‌های ارتباط جمعی ایجاد می‌کنند. با توجه به شرایط پیچیده اقتصادی جامعه امروز ایران ما شاهد آن هستیم که برخی مردان بالأخص در شهرهای بزرگ روزانه دو الی سه کار را هم‌زمان باهم انجام می‌دهند اما کفاف زندگی روزمره را نمی‌دهد. زنان با برگزاری دوره‌های زنانه و مراجعه به شوهای لباس و همچنین با تماشای فیلم‌های ماهواره‌ای و پیگیری مدلینگ‌ها در شبکه‌های اجتماعی مجازی احساس نیاز به داشتن تمامی وسایلی را دارند که تماشا می‌کنند. لذا با توجه به شرایط اقتصادی جامعه و کافی نبودن درآمد مردان، به مرور وقتی که با جواب‌های منفی از طرف همسرشان مبنی بر نداشتن پول به جهت خرید وسایل اضافه مواجه می‌شوند، به مرور از همسر و زندگی شخصی خود دل‌زده شده و خود را با دیگر زنان و همسر خود را با دیگر مردان مقایسه می‌کنند. زمانی که یک مرد به آن‌ها روی خوش نشان دهد و تضمین بدهد که تمامی نیازهای مالی او را فراهم می‌کند، او با مقایسه همسر خود با دیگری گرایش به خیانت پیدا کرده و با فرد دیگر ایجاد رابطه خواهد کرد.

یادگیری اجتماعی:

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با افراد دیگر، به‌خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. اندیشمندان نظیر باندورا، ساترلند و تارد، نظریه یادگیری را توسعه داده‌اند. الگوهای رفتاری از طریق مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. از این‌رو مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای خطرآفرین را باید در رابطه فرد با دیگران و نیز در تجربه‌های اجتماعی او جست‌وجو کرد. این زمینه‌ها و بسترها عبارت‌اند از: بحران‌های خانوادگی، مانند جدایی والدین از یکدیگر؛ درگیری‌های شدید و مداوم پدر و مادر باهم نیز الگوی خیانت در خانواده - به‌ویژه الگوی پدر یا مادر پیمان‌شکن و ... این بدان معناست که تجربه‌های کودکی و نوجوانی رفتارهای بزرگ‌سالی را شکل می‌دهند. زیرا روان انسان‌ها به‌ویژه در دوران کودکی بسیار حساس است و از این‌رو فرد در

این دوران مستعد است که نشانه‌های موجود در محیط خانوادگی دوران کودکی را به سرعت اخذ کرده و رفتارهای مرتبط را طی فرایند رشد خود بازتولید نماید و سرانجام رفتارهای مشابهی را از خود بروز بدهد؛ والدین بی‌وفا مهر تأیید بر بی‌وفایی زده و آن را برای فرزندان خود قابل توجیه می‌دانند. این کودکان ممکن است در آینده از برقراری روابط صمیمانه بر پایه اعتماد متقابل اجتناب کنند و به راحتی و با برقراری رابطه سطحی با همسر خود و دیگری به راحتی به زندگی خود و دیگران آسیب بزنند (خدمتگزار و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳). از عوامل مؤثر دیگر که در تقویت گرایش به خیانت همسران مؤثر است، تجربه پیمان شکنی فرد در رابطه‌های پیش از ازدواج خود با جنس مخالف است. افزون بر آن، رسانه: ماهواره و فیلم و سریال‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در سال‌های اخیر نیز در تقویت این گرایش (گرایش به خیانت) سهیم بودند. به سخنی دیگر، آن‌گونه که پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد، رسانه‌ها توانسته‌اند در یادگیری افراد مؤثر باشند، طبق نظر متخصصان آنچه امروز زمینه مقایسه را برای زوجین ما فراهم می‌کند؛ فیلم‌های ماهواره هستند. زیرا این فیلم‌ها روزانه بخش مهمی از اوقات مردم را به خود اختصاص می‌دهند و به‌گونه‌ای غیرمستقیم و ناخواسته بر رفتارهای افراد اعم از احساسات، نگرش‌ها، باورها و ... تأثیر می‌گذارند. در این میان گمنام ماندن در شبکه‌های اجتماعی، کاربران این شبکه‌ها را در " موقعیتی مناسب " قرار داده و به آنان اجازه می‌دهد که بدون ترس از همسر و دور از چشم او با دیگران رابطه برقرار کند و حتی در " چت‌های شهوانی " نیز شرکت نماید. حریم فضای اینترنتی شخص را قادر می‌سازد تا احساسات صمیمانه‌ای را که معمولاً برای افراد خاص بیان می‌کند، با افراد غریبه در میان بگذارد و با ایجاد رابطه‌ای عاطفی با مخاطب خود، موجب آغاز غوطه‌ور شدن در بی‌وفایی نسبت به همسر خود شود (خدمتگزار و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۳).

کنترل اجتماعی:

تراویس هیرشی (۱۹۶۹)، ارائه‌دهنده نظریه "کنترل اجتماعی" که نظریه پیوند اجتماعی نیز نامیده می‌شود و از نظریه نظم اجتماعی (بی‌هنجاری) دورکیم تأثیر پذیرفته و به عوامل خاص اجتماعی که برای حفظ نظم در جامعه اهمیت دارند، توجه کرده است. این نظریه بر فرایند اجتماعی کردن، بیش‌تر از مجازات کردن در برقراری نظم جامعه تأکید دارد و برای تبیین برخی جرائم مانند: جرائم سازمان‌یافته، جرائم یقه‌سفیدها و جرائم حرفه‌ای

کمر کاربرد دارد و بیشتر در مورد جرائم جوانان و عرضه پیشنهادهای عملی برای پیشگیری از جرم فایده دارد. این نظریه این طور فرض می کند که اگر انسان ها به حال خود رها شوند، به طور طبیعی مرتکب رجم و کج روی می شوند. یعنی سابقه رفتار کج روانه به طور طبیعی و ذاتی در میان مردم وجود دارد، زیرا همه انسان ها نیازهای برآورده نشده و آرزوهای متعدد و نامحدودی دارند و رفتارهای انحرافی در بسیاری از موارد زودتر و راحت تر آن ها را به مقصودشان می رساند و کامروایی را نصیبشان می کند. (صالح آبادی، ۱۳۹۳: ۴۱)

بنابراین اگر قوانین و مقررات جامعه طوری تنظیم شده باشد که زوجین در صورت ارتکاب روابط فرا زناشویی به شدت مجازات شوند امکان این که دست به این عمل قبیح بزنند کمتر خواهد شد. این نظریه وجهی دیگر از دلایلی که رفتار انحرافی مانند خیانت زناشویی می شود را توضیح می دهد، که این عوامل شامل کاهش کنترل بیرونی و درونی است. در هر جامعه ای سالمی که در آن شرایط آندی وجود ندارد و لذا احتمال انحرافات علی الاصول کم باشد، باید یک سیستم کنترل بیرونی قوی وجود داشته باشد تا افراد جامعه حتی هوس یک کار خلاف و انحراف را نکنند. سیستم کنترل بیرونی باید دارای دو کارکرد باشند: اولاً میزان مجازات برای یک کار خلاف باید بسیار سنگین باشد تا رأی شخص خاطی بسیار پرهزینه و پرضرر تلقی شود و از نظر او دست زدن به آن کار به هیچ وجه مقرون به صرفه نباشد. ثانیاً احتمال کشف کار خلاف یعنی حضور سیستماتیک نیروهای کنترل کننده باید بسیار زیاد باشد، به طوری که شخص خاطی بداند که (مثلاً اگر فلان خیابان را خلاف آمد) به احتمال بسیار زیاد مجازات (جریمه سنگین) خواهد شد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۰). انسان ها (به قول زیگموند فروید و دیوید ریزمن) دارای سیستم کنترل درونی نیز هستند. عواملی وجود دارند که انسان ها را از کارهای نامشروع بازمی دارند. یکی از مهم ترین این عوامل مذهب است. اگر پایبندی های مذهبی اعضا یک جامعه قوی باشد، انسان ها کمتر به سمت راه های نامشروع خواهند رفت و خود را به طور درونی کنترل خواهند نمود که این قوی ترین و مؤثرترین نوع کنترل است، آن هم بدون هزینه نیروهای انتظامی و غیره. بدین ترتیب، بررسی های موجود نشان می دهند که در جوامع فردگرای امروز و به ویژه در جوامعی که در شرایط حاد آنومیک به سر می برند، معیارهای جمعی رفتارها رفته رفته بی اعتبار می شوند و هر فرد معیارهای رفتاری فردی خود را جایگزین معیارهای رفتاری جمعی می کند. در این فضای اجتماعی هنجارشکنانه، زمینه بروز و نشر هرچه بیشتر رفتارهای منفعت طلبانه فردی بیشتر می شود

(مرتون، ۱۳۴۹). در این فضای اجتماعی، کنترل اجتماعی نیز از دست می‌رود. هرچقدر آنمی گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، رفتارهای هنجار شکنانه بیشتر بروز می‌کنند و به تبع آن در میان اعضای جامعه که اینک از یکدیگر بیشتر دور شده‌اند، رفتارهای هنجار شکنانه بیشتر رواج می‌یابد، هنجارشکنی فراگیر می‌شود و به همین ترتیب از میزان کنترل اجتماعی کاسته می‌شود. از آنجاکه معیارهای رفتار فردی جایگزین معیارهای رفتار جمعی می‌شود، بنابراین مفهوم رضایتمندی هم به یک مفهوم نسبی تبدیل می‌گردند و به دنبال انسان‌ها برای درک (بهتر) این مفهوم دست به مقایسه می‌زنند: مقایسه خود با دیگران و مقایسه همسر خود با اشخاص دیگر که می‌تواند جای همسر باشد. این مقایسه با نتایج آن و با میزان اهمیتی که فرد برای رابطه با همسر و یا رابطه با شخصی غیر از همسر قائل است بر این پایه با میزان سرمایه‌گذاری که او مایل است برای این رابطه، انجام دهد و همچنین با کیفیتی که این رابطه (رابطه با همسر) یا آن رابطه (رابطه با شخصی غیر از همسر) برای او به ارمغان می‌آورد، ارتباط و بستگی مستقیم دارد. از این رو نتایج مقایسه اجتماعی، میزان سرمایه‌گذاری‌ای که فرد برای رابطه با دیگری انجام می‌دهد و نیز کیفیتی که از این رابطه به دست می‌آورد، بر میزان رضایت او از رابطه‌ای که با همسرش دارد، تأثیر می‌گذارد و در عین حال تعیین‌کننده میزان تعهد او نسبت به همسرش نیز هست. در این میان پایگاه اجتماعی فرد و نیز قابلیت‌های یادگیری اجتماعی او نیز هم‌زمان بر تمایل او به خیانت تأثیرگذار هستند (دریگوتاس، استروم، ۱۹۹۹).

مصرف رسانه ای:

امروزه در عصر ارتباطات که فناوری‌های زیادی برای انتقال پیام موجود است، پیام‌های اقناع گر از طریق کانال‌های بسیار متعددی به سوی ما می‌آیند. روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ویدئو، سینماها، بیلبوردها، اینترنت و مدل اقناع نظریه ایست که تأثیر مشهود رسانه‌های ارتباط جمعی را بر گرایش به خیانت زناشویی به خوبی نشان می‌دهد. این مدل که بر گفته از نظریه‌ی لاسول از عناصر ارتباط است، با تمرکز بر چهار عامل اساسی درگیر در اقناع به بررسی فرایند اقناع می‌پردازد. این چهار عنصر عبارت‌اند از: ۱- ارتباط گر یا منبع پیام ۲- پیام ۳- کانال یا وسیله پیام ۴- مخاطب (Mayers ۲۰۰۲: ۲۴۲؛ Lippa ۱۹۹۴: ۲۳۸) ۲۳۹) تماشای فیلم‌های ماهواره‌ای و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با هویت جعلی، باعث می‌شود که خیانت زناشویی به عنوان یک علت قبیح نادیده گرفته شود و رسانه‌ها

نوعی عادی سازی را در این میان در ذهن مخاطب ایجاد می کنند. با تماشای فیلم های ماهواره ای و زنجیره هایی که محتوایی بهم وابسته دارند، همچنین با به نمایش گذاشتن عادی روابط دختر و پسر، زن و مرد و خیانت های زناشویی، ذهن مخاطب جهت گرایش به روابط فرا زناشویی آماده می شود و شبکه های اجتماعی مهم ترین بستر برای ایجاد روابطی غیر از روابط زناشویی هستند. استفاده از این رسانه ها و فناوری های نوین ارتباطی در کنار تمامی کارکردهای مثبتی که برای بشر داشته است، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و خانوادگی را پایمال نموده و از طرفی باعث متزلزل شدن پایه های امن زندگی خانوادگی شده و گرایش به خیانت زناشویی را بین زوجین افزایش می دهد.

فرضیه های پژوهش

به نظر می رسد بین مصرف رسانه ای و گرایش به خیانت زناشویی زوجین استان سمنان رابطه وجود دارد .

به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی و گرایش به خیانت زناشویی زوجین استان سمنان رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین کنترل اجتماعی و گرایش به خیانت زناشویی زوجین استان سمنان رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین یادگیری اجتماعی و گرایش به خیانت زناشویی زوجین استان سمنان رابطه وجود دارد.

به نظر می رسد بین متغیرهای زمینه ای و گرایش به خیانت زناشویی زوجین استان سمنان رابطه وجود دارد.

روش پژوهشی و ابزار پژوهش

پژوهش حاضر، به صورت پیمایشی و به وسیله پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد می باشد. جمعیت آماری مورد نظر در این پژوهش شامل کلیه زوج های ساکن در شهرهای استان سمنان می باشند. برای انجام نمونه گیری در

تحقیق حاضر از روش تصادفی چندمرحله‌ای، سیستماتیک و تصادفی ساده می‌باشد، استفاده گردید. ما در این تحقیق حجم نمونه‌ی خود را براساس فرمول کوکران^۱ انتخاب کرده ایم که رفیع پور از آن به عنوان فرمول پیچیده و منطقی‌تر یاد می‌کند (رفیع پور، ۱۳۷۵: ۳۸۳). بدین ترتیب در این تحقیق ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده از نرم افزار SPSS و از روش های آماری توصیفی (نمودارها و آمارهای جدول توزیع فراوانی) و آماره های استنباطی (آزمون‌های همبستگی مناسب، تحلیل رگرسیون، تحلیل عامل یا آزمون‌های مرتبط با آن) استفاده کرده ایم.

روایی^۱ و پایایی^۲:

روایی همانا میزانی است که وسیله‌ی اندازه‌گیری مفهوم موردنظر را می‌سنجد. اصلی-ترین روش آزمون اعتبار، بررسی دقیق سنجه مفهوم در پرتو معنای آن و طرح این پرسش جدی است که آیا ابزار سنجش، واقعاً مفهوم موردنظر را می‌سنجد یا نه. این نوع توجه و بررسی دقیق، روش تعیین اعتبار صوری است که گاه بدان اعتبار ذهنی نیز می‌گویند (بیکر، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در پرسشنامه بارگذاری عامل‌ها و گویه‌های مربوط به متغیرهای مربوطه بسیار بالا و مناسب بود و همه عوامل در سطح بالای ۰.۷ بارگذاری شده بودند. به‌منظور سنجش پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه مربوط به متغیرهای پژوهش شامل سرمایه اجتماعی و گرایش به خیانت زناشویی، با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی (پیش‌آزمون)، میزان آلفای کرونباخ برای بررسی همبستگی یا هماهنگی درونی معرف‌های مربوط به این متغیرها محاسبه گردید.

^۱ - Cochran

^۱ validity

^۲ Reliability

جدول شماره (۱): برآورد آلفای کرونباخ جهت سنجش دقت اندازه گیری

مقدار آلفای کرونباخ	تعداد گویه	متغیر
۰.۷۵	۸	گرایش به خیانت زناشویی
۰.۸۷	۸	سرمایه اجتماعی
۰.۸۳	۶	یادگیری اجتماعی
۰.۵۶	۵	کنترل اجتماعی
۰.۸۴	۲۰	مصرف رسانه ای

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی:

۵۱.۴ درصد از جمعیت نمونه را زنان و ۴۸.۶ درصد را مردان تشکیل داده اند. به لحاظ سنی، سن اکثر پاسخگویان (۲۳.۴)، بین ۳۱ تا ۴۵ سال است. بعد از گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال با تعداد ۸۰ نفر و با (۲۰.۰) در رتبه بعدی قرار می گیرد. سطح تحصیلات بخش قابل توجهی از نمونه ها مقطع کارشناسی است. به لحاظ مذهب، (۹۹.۳) درصد از پاسخگویان را مسلمانان شیعه و (۰.۷) درصد از پاسخگویان را مسلمانان سنی تشکیل می دهند. بر حسب قومیت، (۹۲.۵) درصد از پاسخگویان فارس بوده و (۳.۷) درصد مازنی یا گیلکی، (۲.۲) درصد آذری و کردها و لرها و بلوچ ها در مراتب بعدی قرار گرفته اند. با توجه به توصیف متغیرهای اصلی پژوهش یافته ها حاکی از آن است که، اکثریت نمونه آماری پژوهش سرمایه اجتماعی بسیار بالایی دارند و از ۱۰۰ نمره، نمره ۷۴ را کسب کرده اند. میانگین نمره مربوط به این گویه بیشتر از حد وسط مقیاس مربوط به این متغیر است. اکثریت نمونه آماری پژوهش از یادگیری اجتماعی بسیار بالایی برخوردارند و از ۱۰۰ نمره، نمره ۷۱ را کسب کرده اند. میانگین نمره مربوط به این گویه بیشتر از حد وسط مقیاس مربوط به این

متغیر است. اکثریت نمونه آماری پژوهش از نمره یادگیری اجتماعی نسبتا بالایی برخوردارند و از ۱۰۰ نمره، نمره ۴۹ را کسب کرده اند. میانگین نمره مربوط به این گویه در حد وسط مقیاس مربوط به این متغیر است. اکثریت نمونه آماری پژوهش از مصرف رسانه ای بسیار بالایی برخوردار هستند و از ۱۰۰ نمره، نمره ۹۶ را کسب کرده اند. تنها ۴ درصد از پاسخگویان مصرف رسانه ای نداشته اند. اکثریت نمونه آماری پژوهش نسبت به خیانت زناشویی گرایشی ندارند و از ۱۰۰ نمره، نمره ۷۴ را کسب کرده اند. اما در مقابل ۲۶ درصد از پاسخگویان گرایش به خیانت زناشویی داشته اند.

یافته های استنباطی

جدول شماره (۲): همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

کنترل اجتماعی	گرایش به خیانت زناشویی	یادگیری اجتماعی	سرمایه اجتماعی		
۰/۲۲۵**	۰/۵۷۱**	۰/۵۹۹**	۱	Pearson Correlation	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		Sig/ (۲-tailed)	
۰/۲۰۸**	۰/۶۱۴**	۱	۰/۵۹۹**	Pearson Correlation	یادگیری اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	Sig/ (۲-tailed)	
۰/۱۶۷**	۱	-۰/۶۱۴**	۰/۵۷۱**	Pearson Correlation	گرایش به خیانت زناشویی
۰/۰۰۱		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig/ (۲-tailed)	
۱	۰/۱۶۷**	۰/۲۰۸**	۰/۲۲۵**	Pearson Correlation	کنترل اجتماعی
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig/ (۲-tailed)	

همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی و گرایش به خیانت زناشویی

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، متغیر سرمایه اجتماعی به میزان ۰.۵۷ درصد با جهت منفی و به شکل بسیار خوب در سطح معناداری ۰.۰۰۰ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش هر واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی، احساس امنیت به میزان ۰.۵۷ درصد کاهش می یابد و هر چه سرمایه اجتماعی پایین بیاید، گرایش به خیانت زناشویی در سطح جامعه افزایش می یابد.

ضریب همبستگی بین یادگیری اجتماعی و گرایش به خیانت زناشویی

با در نظر گرفتن ضریب همبستگی پیرسون، متغیر یادگیری اجتماعی به میزان ۰.۶۱ درصد با جهت منفی و به شکل بسیار خوب در سطح معناداری ۰.۰۰۰ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش هر واحد تغییر در متغیر یادگیری اجتماعی، احساس امنیت به میزان ۰.۶۱ درصد کاهش می یابد و هر چه یادگیری اجتماعی پایین بیاید، گرایش به خیانت زناشویی در سطح جامعه افزایش می یابد.

ضریب همبستگی بین کنترل اجتماعی و گرایش به خیانت زناشویی

با در نظر گرفتن ضریب همبستگی پیرسون، متغیر کنترل اجتماعی به میزان ۰.۱۶ درصد با جهت منفی و به شکل متوسط در سطح معناداری ۰.۰۰۱ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش هر واحد تغییر در متغیر کنترل اجتماعی، احساس امنیت به میزان ۰.۱۶ درصد کاهش می یابد و هر چه کنترل اجتماعی در جامعه پایین بیاید، گرایش به خیانت زناشویی در سطح جامعه افزایش می یابد. در مقابل هرچه کنترل اجتماعی یک جامعه از طریق نهادهای رسمی و غیر رسمی افزایش یابد، گرایش به خیانت زناشویی کاهش می یابد.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین مصرف رسانه ای و گرایش به خیانت زناشویی

تلویزیون	ماهواره	اینترنت		
-.۱۱۷*	.۳۸	.۴۳	Pearson Correlation	گرایش به خیانت
.۰۱۹	.۰۰۲	.۰۰۰	Sig. (۲-tailed)	

با در نظر گرفتن ضریب همبستگی پیرسون، مصرف اینترنت به عنوان یکی از شاخص های مصرف رسانه ای به میزان ۰.۴۳ درصد با جهت مثبت و به شکل بسیار خوب در سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. به عبارتی دیگر هرچه میزان مصرف اینترنت در بین شهروندان افزایش یابد، میزان گرایش به خیانت زناشویی نیز افزایش می یابد و در حالت دیگر، با کاهش استفاده از اینترنت، احتمال گرایش به خیانت زناشویی نیز کاهش می یابد. مصرف ماهواره به عنوان یکی از شاخص های مصرف رسانه ای به میزان ۰.۳۸- درصد با جهت مثبتی به شکل نسبتاً خوب و در سطح معناداری ۰.۰۰۰۲ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی ارتباط معنادار و مثبت داشته به عبارتی دیگر هرچه میزان استفاده از مصرف ماهواره افزایش یابد، میزان گرایش به خیانت زناشویی افزایش می یابد. در حالتی دیگر با کاهش مصرف ماهواره توسط شهروندان گرایش به خیانت زناشویی نیز کاهش می یابد. در نهایت مصرف تلویزیون هیچ ارتباطی با گرایش به خیانت زناشویی ندارد.

تحلیل رگرسیون

جدول شماره (۴): برآورد تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به خیانت زناشویی

ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین رگرسیون	سطح معنادار ی مدل	t				متغیرهای معرفی شده به مدل
				ضریب استاندارد شده	Std. Error	ضریب تأثیر استاندارد نشده	
۰.۴۳	۰.۴۴		۲.۷۱۳		۳.۹۳۲	۱۰.۶۶۹	ثابت
			۰.۰۰۰	۰.۳۱۶	۰.۵۵	۰.۳۷۱	سرمایه اجتماعی
			۰.۰۰۰	۰.۴۲۳	۰.۵۷	۰.۵۱۰	یادگیری اجتماعی
			۰.۸۳۷	۰.۰۰۸	۰.۴۵	۰.۰۰۹	کنترل اجتماعی

با توجه به نتایج جدول فوق، متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی) ۰.۴۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (گرایش به خیانت زناشویی) را تبیین می کنند. اثر هر سه متغیر وارد شده در مدل معادله ساختاری، دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر است ($P. Value < 0/05$). با مد نظر قرار دادن ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، می توان گفت اثر متغیر یادگیری اجتماعی بر گرایش به خیانت زناشویی، منفی و قوی و اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به خیانت زناشویی، منفی و نسبتاً قوی است. کنترل اجتماعی نیز دارای اثر منفی و متوسط می باشد. اثر مثبت به معنای افزایش گرایش به خیانت زناشویی و اثر منفی به معنای کاهش گرایش به خیانت زناشویی است.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های علمی بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد، رابطه بین زن و شوهر در خانواده‌ها و در جامعه امروز بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است و به تبع آن " پدیده خیانت " در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته: از جمله ایالت متحده آمریکا و نیز کشورهای در حال توسعه، با فراوانی زیادی مشاهده می‌شود. طبق آماری که سال ۲۰۱۴ در آمریکا منتشر شد، ۴۱ درصد از زوجین آمریکایی (هر دو زوج یا یکی از آنها) اقدام به خیانت جسمی و عاطفی کرده‌اند. اتکینز و همکاران (۲۰۰۱) درگیر بودن بیش از ۲۵ درصد از مردان متأهل و زنان متأهل در روابط جنسی خارج از ازدواج، در طول دوره روابط خود را برآورد می‌کنند (اجتهادی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). علی رقم تفاوت‌های فرهنگی که میان جوامع انسانی وجود دارند، مسئله خیانت در روابط زناشویی در اغلب جوامع مذموم و غیراخلاقی بشمار می‌آید. در کشور ما نیز مذهب و عرف جامعه این مسئله را بسیار ناپسند می‌شمارند و نگاه منفی نسبت به این موضوع دارند. از این رو این رفتار در خفا به صورت پنهانی انجام می‌شود و اکثریت متخصصان حوزه‌های حقوق، روانشناسی و جامعه‌شناسی بر این باورند که این نوع رفتار با توجه با جامعه امروزی ایران روندی رو به گسترش داشته و تاکنون در گروه‌های اجتماعی گوناگون مشاهده شده است.

در پژوهش حاضر، با توجه به چارچوب نظری و تحقیقات انجام شده در این حوزه، برخی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر گرایش به خیانت زناشویی شهروندان مورد بررسی قرار گرفت. این عوامل عبارت بودند از: سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، مصرف رسانه ای.

هدف از پژوهش حاضر بررسی علل گرایش زوجین به خیانت زناشویی و پیامدهای اجتماعی و امنیتی آن در استان سمنان بوده است. در این راستا بر اساس چارچوب نری تحقیق دو دسته عوامل (اجتماعی و فرهنگی) به جهت سنجش گرایش به خیانت زناشویی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفتند. متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی به عنوان متغیرهای اجتماعی و متغیر مصرف رسانه ای به عنوان متغیر فرهنگی مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین از متغیرهایی همچون: سن، جنس، سن همسر، سطح تحصیلات فرد، سطح تحصیلات همسر، مدت زمان سکونت در شهر،

مدت زمان سکونت در محله فعلی، مجموع هزینه های ماهیانه، شغل فرد، شغل همسر و... به عنوان متغیرهای زمینه ای استفاده شده است. محور سئوالات اصلی این پژوهش را ارتباط هر یک از متغیرهای مذکور با گرایش به خیانت زناشویی تشکیل می دهد.

همچنین در ارتباط با رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، متغیر سرمایه اجتماعی به میزان ۰.۵۷ درصد با جهت منفی و به شکل بسیار خوب در سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش هر واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی، احساس امنیت به میزان ۰.۵۷ درصد کاهش می یابد و هر چه سرمایه اجتماعی پایین بیاید، گرایش به خیانت زناشویی در سطح جامعه افزایش می یابد. با در نظر گرفتن ضریب همبستگی پیرسون، متغیر یادگیری اجتماعی به میزان ۰.۶۱ درصد با جهت منفی و به شکل بسیار خوب در سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش هر واحد تغییر در متغیر یادگیری اجتماعی، احساس امنیت به میزان ۰.۶۱ درصد کاهش می یابد و هر چه یادگیری اجتماعی پایین بیاید، گرایش به خیانت زناشویی در سطح جامعه افزایش می یابد. با در نظر گرفتن ضریب همبستگی پیرسون، متغیر کنترل اجتماعی به میزان ۰.۱۶ درصد با جهت منفی و به شکل متوسط در سطح معناداری ۰.۰۰۰۱ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش هر واحد تغییر در متغیر کنترل اجتماعی، احساس امنیت به میزان ۰.۱۶ درصد کاهش می یابد و هر چه کنترل اجتماعی در جامعه پایین بیاید، گرایش به خیانت زناشویی در سطح جامعه افزایش می یابد. در مقابل هرچه کنترل اجتماعی یک جامعه از طریق نهادهای رسمی و غیر رسمی افزایش یابد، گرایش به خیانت زناشویی کاهش می یابد. با در نظر گرفتن ضریب همبستگی پیرسون، مصرف اینترنت به عنوان یکی از شاخص های مصرف رسانه ای به میزان ۰.۴۳ درصد با جهت مثبت و به شکل بسیار خوب در سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. به عبارتی دیگر هرچه میزان مصرف اینترنت در بین شهروندان افزایش یابد، میزان گرایش به خیانت زناشویی نیز افزایش می یابد و در حالت دیگر، با کاهش استفاده از اینترنت، احتمال گرایش به خیانت زناشویی نیز کاهش می یابد. مصرف ماهواره به عنوان یکی از شاخص های مصرف رسانه ای به میزان ۰.۳۸- درصد با جهت مثبت و به شکل نسبتاً خوب و در

سطح معناداری ۰۰۰۰۲ با متغیر گرایش به خیانت زناشویی ارتباط معنادار و مثبت داشته به عبارتی دیگر هرچه میزان استفاده از مصرف ماهواره افزایش یابد، میزان گرایش به خیانت زناشویی افزایش می یابد. در حالتی دیگر با کاهش مصرف ماهواره توسط شهروندان گرایش به خیانت زناشویی نیز کاهش می یابد. در نهایت مصرف تلویزیون هیچ ارتباطی با گرایش به خیانت زناشویی ندارد. با توجه به نتایج ، متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی) ۰.۴۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (گرایش به خیانت زناشویی) را تبیین می کنند. اثر هر سه متغیر وارد شده در مدل معادله ساختاری، دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر است ($P. Value < 0/05$). با مد نظر قرار دادن ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، می توان گفت اثر متغیر یادگیری اجتماعی بر گرایش به خیانت زناشویی، منفی و قوی و اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به خیانت زناشویی، منفی و نسبتاً قوی است. کنترل اجتماعی نیز دارای اثر منفی و متوسط می باشد. اثر مثبت به معنای افزایش گرایش به خیانت زناشویی و اثر منفی به معنای کاهش گرایش به خیانت زناشویی است.

محدودیت های پژوهش:

با توجه به حساسیت موضوع مورد مطالعه، اقناع پاسخگویان به جهت پذیرش پاسخ های قطعی به سختی صورت پذیرفت.

پیشنهادات پژوهش

پژوهش انجام شده مربوط به استان سمنان بوده و در استان های دیگر به محققان پیشنهاد می شود که با انجام چنین پژوهشی سعی در شناخت صحیح عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کاهش گرایش به خیانت زناشویی در استان شان داشته باشند و از نتایج آن جهت بهبود شرایط استفاده نمایند.

پیشنهاد می شود، برنامه هایی با مضمون حمایت از کانون خانواده و مشاوره های رایگان به جهت حل مشکلات و مسائل خانوادگی در برنامه های تلویزیونی پخش گردد. همچنین ار رسانه به عنوان حامل پیام های اخلاقی به جهت حفظ پیوندهای زناشویی استفاده شود.

پیشنهاد می شود رسانه های جمعی با نظارت نهادهای مربوطه برنامه هایی را مبنی بر افزایش میزان نشاط اجتماعی و امید به آینده را تدوین کنند و آموزش هایی جهت یادگیری ساختن زندگی بهتر و بالا بردن سطح رضایت از زندگی افراد.

پیشنهاد می شود نهادهای نظارتی کنترل بیشتری بر جامعه داشته باشند و همچنین چه زن و چه مردی که مرتکب خیانت شد، مورد مجازات سخت تری قرار گیرد. به جهت عدم ارتکاب خیانت زناشویی، مجازات سخت تری برای این جرم از طرف نهادهای نظارتی در نظر گرفته شود.

در کنار تمام مزایای مربوط به پژوهش های کمی، وجود پژوهش های کیفی و ترکیبی در این زمینه می تواند به غنی تر شدن مبانی نظری بومی و انجام بهتر پژوهش های آتی، کمک شایانی کند.

بی تردید متغیرهای مستقل زیادی بر گرایش به خیانت زناشویی تأثیرگذار می باشند که این پژوهش بنا بر مقتضیات و محدودیت ها از پرداختن به تمامی آن ها معذور بوده است. لذا بررسی این مفهوم با در نظر گرفتن سایر متغیرها، می تواند نتایج متفاوت تر و بدیع تری را اراده نماید.

منابع

- اجتهادی ، مصطفی ، واحدی ، گلناز (۱۳۹۶) ، " بررسی جامعه شناختی پتانسیل خیانت در روابط زناشویی و عوامل مؤثر بر آن در بین ادارات دولتی و خصوصی " ، مجله جامعه شناسی ایران ، دوره ۱۷ ، شماره ۴ ، صص. ۱۳۸-۱۰۵

- پناهی ، محمدحسین؛ تبریزی ، منصوره (۱۳۹۵) ، " مصرف اینترنت و تأثیر آن بر روابط همسران " ، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی) ، شماره ۷۲ ، صص ۷۰-۳۳.

- رفیعی ، سحر ، حاتمی ، ابوالفضل ، فروغی ، علی اکبر (۱۳۹۰) ، " رابطه بین مقیاس ناسازگاری اولیه و سبک های دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی " ، " مجله جامعه شناسی زنان ، سال دوم ، شماره ۱ ، صفحه ۲۱ به ۳۶

حیدری ، مرضیه (۱۳۹۶) ، " بررسی روابط چندگانه بین رضایت از زندگی ، رضایت زناشویی و رضایت جنسی از ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی در زنان متأهل در آبادیه " ، مجله زنان و جامعه ، جلد. ۸ ، شماره ۴ ، صص ۲۲۸-۲۰۵.

- خدمتکار ، حسین ، بولالی ، جعفر ، کروملو ، سمیرا (۱۳۸۷) ، " بی اعتمادی همسران: روش های جلوگیری و مقابله با بی اعتمادی همسران ، تهران: انتشارات قطره

- رفیع پور ، فرامرز (۱۳۷۸) ، " آنومی یا آشفتگی اجتماعی: مروری بر پتانسیل آنومی در تهران ، تهران: سروش (پخش و صدا)

شارع پور ، محمود (۲۰۰۰) ، " سرمایه اجتماعی فرسایش است " ، ماه علوم اجتماعی ، اکتبر و نوامبر ، صفحات ۱۷-۱۵.

- شارع پور ، محمود (۱۳۸۴) ، " سرمایه اجتماعی و نقش آن در زندگی اجتماعی و اقتصادی " ، مجله رشد تحصیلات علوم اجتماعی (یادداشت ویژه در مورد سرمایه اجتماعی ، دوره ۹ ، شماره ۲ ، صص ۱۶-۱۰).

- صالح آبادی ، لیلا (۱۳۹۳) ، " بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر روابط برون مرزی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در تهران "

- علیوردی نیا ، اکبر ، ریاحی ، محمد اسماعیل ، بهرامی کاکاوند ، سیاوش (۲۰۰۸) " تحلیل جامعه شناختی میزان طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه) " ، جلد. ۵ ، شماره ۳ ، صفحات ۱۰۴-۱۰۹

- علیوردی نیا ، اکبر ، شارع پور ، محمود ، وزمزیار ، مهدی (۱۳۸۷) ، سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری ، تحقیقات زنان ، دوره ۶ ، شماره ۲ ، صفحات ۱۳۲-۱۰۷.

- قلی زاده ، آذر ، اسماعیلی اردستانی ، زهره (۱۳۹۳) ، " نقش مؤلفه های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل " ، دانش و تحقیقات در روانشناسی کاربردی ، ۱۵ (۲) ، ۳۷-۴۶

- کاوه ، س (۱۳۹۳). روانشناسی بی دین و خیانت. تهران: افتخار سارای اندیشه

[فارسی].

-مسعودی اسلامی ، شبنم؛ فیروز راد (۱۳۹۵)؛ "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی اختیاری زناشویی در شهر تبریز" ، مطالعات جامعه شناسی ، هشتم ، سی و یک ، صص ۶۸-۴۸

- مجیدی ، مسعود ، لردسی زاده ، عبدالعلی (۱۳۸۵) ، "بررسی رابطه بین متغیرهای فرعی ، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در روستاهای استان فارس" ، فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه ، جلد ۹ ، شماره ۴

Gabriel`Barbara` Bodenmann`Guy` (۲۰۱۰) `Deprssion` marital satisfaction and communication in couple: Investigating Gender Differences` Behaviour therapy

Drigotas, s.m ., Safstrom, C.A. & Gentilia , T. (۱۹۹۹). An investment model prediction of dating infidelity . *Journal of Personality & social Psychology* . ۷۷ , ۵۰۹-۵۲۴.

Schneider, Barbara (۲۰۰۵), "Social Capital", translated by Davood Heidari, *Journal of Social Science Development (Social Capital Special Issue)*, Ninth Volume, Issue, pp. ۵۹-۵۴.

**Study of the causes of couples tendency to marital infidelity and its social consequences
(Case study: Semnan Province, ۱۳۹۷)
khademeian**

Abstract

The purpose of this study was to identify the causes of couples tendency towards marital infidelity and its social and security implications in Semnan Province. This research was carried out through a researcher-made questionnaire. The unit of analysis in this research is person. The population of this study included all couples living in cities of Semnan province in ۱۳۹۷. In this research, a multi-stage, systematic, and randomized random sampling method was used. The sample size is ۳۸۴ people based on the Cochran formula. According to the results, independent variables (social capital, social learning, social control) account for ۱,۴۴% of variance of dependent variable (tendency to marital betrayal). Considering the coefficient of influence of each independent variable, we can say that the effect of social learning variable on the tendency towards marital, negative and strong betrayal and the effect of social capital variables on marital, negative and relatively strong betrayal. Social control also has a negative and moderate effect. The positive effect of increasing the tendency toward marital infidelity and the negative effect is to reduce the tendency to marital infidelity

Keywords:

Tendency to marital betrayal, social capital, social learning, social control, media consumption.